

آموزش در منزل جایگزین آموزش در مدرسه

دکتر محسن شکوهی یکتا^{*}، اکرم پرنده^{**}

چکیده:

مقارن با تحول تکنولوژی ارتباطی در دهه‌های اخیر، آموزش در منزل به‌عنوان جایگزینی برای آموزش در مدرسه در بسیاری از کشورها گسترش یافته است. در سال‌های اخیر، خانواده‌ها به دلایل متعدد از جمله ارزش‌های خاص فرهنگی و مذهبی، عدم تناسب برنامه‌های مدرسه با نیازهای فرزندان و پایین بودن سطح آموزش در برخی مدارس به آموزش فرزندان خود در منزل رغبت بیشتری نشان داده‌اند. بزرگ‌ترین مزیت آموزش در منزل این است که می‌توان با توجه به ویژگی‌ها، علایق و توانایی‌های هر دانش‌آموز برای او برنامه‌ریزی نمود. مدت زمان دوره تحصیلی نیز با توجه به توانایی دانش‌آموزان تنظیم می‌شود و آنان مجبور نیستند با همکلاسی‌های خود همگام باشند. بدین ترتیب از آموزش لذت برده، دچار اضطراب و نگرانی نمی‌شوند.

این روش محدودیت‌هایی دارد که از آن جمله می‌توان به محدود شدن روابط اجتماعی دانش‌آموزان اشاره کرد. همچنین جایگزینی ارتباط غیرمستقیم به جای ارتباط چهره به چهره ممکن است به کاهش تجارب دانش‌آموزان بیانجامد. به‌رغم این محدودیت‌ها، آموزش در منزل در مواردی که بین فرهنگ و ارزش‌های خانواده و جامعه اختلاف زیادی وجود دارد، یا هدف‌های آموزشی که خانواده برای فرزندان در نظر گرفته است تفاوت چشمگیری با هدف‌های آموزشی مدرسه دارد و یا برای کودکان با بیماری‌های مزمن و معلولیت‌های شدید مفید به نظر می‌رسد. به‌کارگیری این روش در کنار تکنولوژی‌های آموزشی نظیر شرکت در کلاس‌های مجازی و استفاده از وسایل کمک‌آموزشی می‌تواند مؤثر باشد. هدف از این مطالعه بررسی آموزش در منزل به منزله یکی از روش‌های غیررسمی آموزشی است که گاه می‌تواند جایگزین مناسبی برای آموزش‌های رسمی باشد. در این مطالعه جنبه‌های مختلف آموزش در منزل، روش‌های تسهیل‌کننده، مزایا و محدودیت‌های آن نقد و بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: روش‌های آموزشی، آموزش در خانه، انتخاب برنامه درسی، نیازهای دانش‌آموزان

* استادیار گروه روان‌شناسی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تهران

** دانشجوی دکتری روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی دانشگاه تهران

✉ نویسنده مسئول: تهران - بزرگراه شهید چمران - خیابان جلال آل‌احمد - روبروی کوی نصر - دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران - گروه روان‌شناسی

تلفن: ۰۲۱ - ۸۸۲۴۰۱۶۱ - ۷۰

دورنما: ۰۲۱ - ۸۸۲۵۴۷۳۴

پست الکترونیک: email: msyekta@yahoo.com

مقدمه

آموزش در منزل^۱ شیوه‌ای آموزشی است که در دهه‌های اخیر در کشورهای پیشرفته صنعتی رو به رشد نهاده است. در دهه ۱۹۸۰ صنعت ارتباط از راه دور تغییرات سریع و پیچیده‌ای را در آموزش ایجاد کرد. به طوری که امروزه آموزش در منزل در جوامع صنعتی به کمک انقلاب الکترونیکی پیشرفت‌های بسیاری کرده است. اختراع کامپیوتر و رشد فزاینده آن موجب جلب توجه مسئولان آموزش و پرورش و برنامه‌ریزان به آموزش در منزل شده است (کیگان^۲، ۲۰۰۰).

در بیست سال اخیر برخی از خانواده‌ها به طور چشمگیری به آموزش در منزل تمایل پیدا کرده‌اند به طوری که در حال حاضر در حدود یک درصد دانش‌آموزان در انگلستان از این سیستم آموزشی استفاده می‌کنند، زیرا برخی از خانواده‌ها این روش را به منزله جایگزینی برای آموزش سنتی برگزیده‌اند. در ضمن اکثر دانش‌آموزانی که در منزل آموزش می‌بینند ضمن سازگاری با آن، پیشرفت تحصیلی بالاتر و رضایت بیشتری را گزارش کرده‌اند (آرورا^۳، ۲۰۰۳). در سال‌های اخیر در ایالات متحده آمریکا نیز گرایش بیشتری به آموزش در منزل مشاهده شده است. به طوری که تا سال ۲۰۰۱ در حدود ۱/۳۰۰/۰۰۰ نفر از دانش‌آموزان قومیت‌ها و مذاهب گوناگون آموزش در منزل را انتخاب کرده‌اند (لاینیس^۴، ۲۰۰۱). اغلب این دانش‌آموزان از نظر پیشرفت تحصیلی و میزان ورود به دانشگاه به همسالان خود شباهت دارند.

در آمریکای شمالی آموزش در منزل گسترش یافته است و به عنوان یک سبک آموزشی پذیرفته شده است. از دیدگاه جامعه‌شناختی این تمایل با رشد ایدئولوژی نئولیبرال^۵ تبیین می‌شود. از این دیدگاه الزامات اساسی زندگی امروزی و فشارهای ناشی از ازدیاد جمعیت، انسان‌ها را به سوی این نوع آموزش سوق داده است (آیورینی و دیویس^۶، ۲۰۰۵).

علاوه بر این والدین نیز از این که در یک حرکت اجتماعی مشارکت دارند، احساس رضایت می‌کنند. احساس کارآمدی^۷، پیوند با شبکه‌های اجتماعی و فعالیت گروهی از متغیرهایی هستند که با احساس رضایت والدین رابطه دارند. کولوم و میشل^۸ (۲۰۰۵) مهم‌ترین متغیرهای مرتبط با احساس رضایت والدین و دانش‌آموزان از آموزش در منزل را بررسی کردند. یافته‌های آنان بیانگر نقش مهم ارتباط‌های سازمان‌یافته در موفقیت این سبک آموزشی است. منظور از ارتباط‌های سازمان‌یافته، دسترسی والدین به محتوای درسی، دریافت اطلاعات در زمینه روش آموزش دانش‌آموزان در منزل و سایر الزامات آموزشی است که از سوی نهادها و مؤسساتی تأمین می‌شود که به نوعی در آموزش و پرورش دخالت دارند.

هدف مقاله حاضر معرفی یکی از روش‌های غیررسمی آموزشی است که در حال حاضر در برخی از کشورها رو به گسترش است. در این مقاله به دلایل انتخاب آموزش در منزل، کاربردهای مختلف آن و مزایا و معایب آن اشاره خواهد شد.

مزایا و معایب آموزش در منزل: اگرچه آموزش در منزل به‌ویژه در دو دهه اخیر گسترش یافته است، با چالش‌های بسیاری روبه‌روست. در زمینه مزایا و معایب آن پژوهش‌هایی صورت گرفته که نتایج گوناگونی در پی داشته است (لوپز هاوگن^۹، ۲۰۰۶). لاتی بیودیری^{۱۰} (۲۰۰۰) گروهی از دانشجویانی که قبل از ورود به دانشگاه در منزل آموزش دیده بودند را از نظر انطباق با محیط جدید و فرهنگ دانشگاه مطالعه کرد. داده‌های مربوط به این پژوهش از طریق مصاحبه با دانشجویان و کارکنان دانشگاه جمع‌آوری شد. یافته‌های این پژوهش مبین انطباق آزمودنی‌ها با فرهنگ و محیط دانشگاه بود. این روش آموزشی در مقایسه با روش‌های سنتی، به دلیل انفرادی بودن از انعطاف‌پذیری بیشتری برخوردار است (ایوانز و نیش^{۱۱}، ۱۹۹۶). در این سیستم آموزشی معلم و دانش‌آموزان با یکدیگر رابطه رو در روی کمتری دارند؛ البته به واسطه به‌کارگیری تکنولوژی ارتباطی مؤثر و مناسب، می‌توان از تأثیرات منفی آن کاست.

مهم‌ترین انتقادی که به این سیستم آموزشی وارد شده است، ضعف در فرایند اجتماعی شدن دانش‌آموزان است. اغلب والدین این دانش‌آموزان درباره آمادگی فرزندان خود برای زندگی اجتماعی و شغلی نگرانی‌هایی دارند. به نظر لافمن^{۱۲} (۱۹۹۷) دانش‌آموزانی که در منزل آموزش می‌بینند، قادر نخواهند بود با واقعیت‌های ناگوار زندگی انطباق حاصل کنند. زیرا دانش‌آموزان در مدرسه و در اثر تعامل با همسالان خود مهارت‌های ارزشمندی، نظیر چگونگی فعالیت‌های گروهی و مواجه شدن با تعارض‌های درون‌فردی را می‌آموزند. مهارت‌های شغلی نیز به‌طور معمول در فعالیت‌های گروهی کسب می‌شوند. فرد در جریان تعامل‌های گروهی انتظارات اجتماعی، رفتارهای بهنجار و مسائل اخلاقی را می‌شناسد.

انتقادهای دیگری نیز به آموزش در منزل وارد شده است از جمله جایگزینی ارتباط غیرمستقیم به‌جای ارتباط چهره به چهره، کاهش تجارب عملی دانش‌آموزان، عدم نظارت دقیق کارشناسان و مربیان تعلیم و تربیت بر عملکرد درسی دانش‌آموزان و عدم امکان بحث و تبادل نظر بین معلم و دانش‌آموزان (آگاروال^{۱۳}، ۱۹۹۵).

به‌رغم این محدودیت‌ها، آموزش در منزل به‌ویژه در مواردی که بین فرهنگ، ارزش‌ها و نژاد خانواده و جامعه اختلاف وجود دارد یا هدف‌های آموزشی که خانواده برای فرزندان خود در نظر گرفته است تفاوت بسیاری با هدف‌های آموزشی مدرسه داشته باشد، مفید به نظر می‌رسد. اگر پدر و مادر به خدمات مؤسسه‌های آموزشی که در زمینه آموزش در منزل فعالیت می‌کنند دسترسی داشته باشند، می‌توانند از امکانات محیطی اطراف خود جهت کاهش محدودیت‌های این سیستم آموزشی بهره ببرند (ارای^{۱۴}، ۱۹۹۹).

علاوه بر این، خوشبختانه در حال حاضر انقلاب الکترونیکی^{۱۵}، بخشی از این نقاط ضعف را جبران کرده است. کلاس‌های مجازی^{۱۶}، دانش‌آموزان شهرها و کلاس‌های مختلف را با هم ارتباط می‌دهد.

در این کلاس‌ها، مدرس کلیه دانش‌آموزان را از دور و نزدیک مشاهده می‌کند و با آنان ارتباط صوتی و تصویری برقرار می‌کند. دانش‌آموزان نیز به‌همین ترتیب با مدرس خود و سایر دانش‌آموزان ارتباط دارند و به راحتی سؤالات و مشکلات خود را مطرح می‌سازند و پاسخ خود را نیز دریافت می‌کنند (کیگان، ۲۰۰۰).

در صورتی که هم دانش‌آموز و هم والدین در زمینه آموزش در منزل به‌خوبی توجیه شوند و برنامه درسی به صورت ساختاریافته تهیه شود، این نوع آموزش مزایایی دارد، از جمله: در برنامه‌ریزی درسی آموزش در منزل استفاده از منابع خارج از مدرسه نظیر کتابخانه‌ها، کلوب‌های تکلیف شب و سایت‌های اینترنتی در نظر گرفته شده است. آموزش در منزل در مقایسه با آموزش سنتی به دلیل انفرادی بودن با انعطاف‌پذیری بیشتری همراه است، بنابراین می‌توان آن را در جهت نیل به اهداف فردی به‌کار برد. به علت این‌که آموزش در مدرسه گروهی صورت می‌گیرد، هدف‌های آموزشی نیز به‌طور کلی تعیین می‌شوند؛ ولی برای دانش‌آموزانی که در منزل مشغول به تحصیل هستند، می‌توان اهداف آموزشی را با توجه به نیازها و ویژگی‌های هر یک از دانش‌آموزان تعیین کرد. از آنجایی که این هدف‌ها با توجه به نظرات و نیازهای دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان تعیین می‌شوند، انگیزه بیشتری برای یادگیری ایجاد می‌کنند. دانش‌آموزانی که در منزل درس می‌خوانند حتی اگر از امکانات ارتباطی خصوصی نیز برخوردار نباشند، می‌توانند از امکانات مدارس، دانشگاه‌ها و کتابخانه‌ها استفاده کنند (کنول، پارکینسون و تانر^{۱۷}، ۲۰۰۰). از آنجایی که در این سیستم آموزشی، دانش‌آموزان مسئولیت نظارت^{۱۸}، ارزشیابی^{۱۹} و بازخورد^{۲۰} نسبت به خود را بر عهده دارند احساس ارزشمندی و استقلال^{۲۱} بیشتری می‌کنند و در مقایسه با هم‌تایان خود در مدرسه از استقلال بیشتری نیز برخوردار می‌گردند. در فرایند آموزش در منزل تقویت‌کننده‌های درونی بیش از تقویت‌کننده‌های بیرونی در یادگیری نقش دارند. کلیه دانش‌آموزان چه آن‌هایی که در شهرها به‌سر می‌برند و چه آن‌هایی که در نقاط دور افتاده به‌سر می‌برند قادر به استفاده از آموزش در منزلند. دانش‌آموزانی که دچار معلولیت‌های حرکتی هستند و جابه‌جا شدن برای آن‌ها مشکل است می‌توانند در منزل آموزش ببینند و فرصت تحصیل را از دست ندهند. در این سیستم آموزشی، دانش‌آموز با توجه به توانایی‌ها و استعدادهای خود دوره‌های درسی را طی می‌کند. به‌عبارت دیگر پیشرفت هر دانش‌آموز به سرعت یادگیری او بستگی دارد. در کشورهایی که برای آموزش در منزل برنامه‌های مدون و مؤسسه‌های ارائه خدمات آموزشی در نظر می‌گیرند، این روش معمولاً کم‌هزینه‌تر از آموزش در مدرسه است؛ زیرا مؤسسه‌های خصوصی که خدمات مربوط به این سیستم آموزشی را ارائه می‌دهند تعداد زیادی دانش‌آموز را تحت پوشش قرار می‌دهند و از امکانات و نیروی انسانی اطراف دانش‌آموزان مانند والدین بهره‌بسیاری می‌برند. برای ارائه خدمات آموزشی در منزل در مقایسه با آموزش سنتی، کارکنان کمتری مورد نیاز است (آگاروال، ۱۹۹۵).

والدیز^{۲۲} (۲۰۰۶) رشد مهارت اجتماعی^{۲۳} و خودپنداره^{۲۴} گروهی از کودکان مدرسه‌ای و کودکانی را که در منزل آموزش دیده‌اند مقایسه کرده است. یافته‌های این پژوهش بیانگر این است که خانواده‌های دانش‌آموزانی که در منزل آموزش دیده‌اند مهارت اجتماعی فرزندان خود را بالاتر از خانواده‌های دانش‌آموزان مدرسه‌ای ارزیابی کرده‌اند. ولی در ارزیابی والدین دو گروه از خودپنداره فرزندان‌شان، تفاوتی مشاهده نشد.

لوپز هاوگن (۲۰۰۶) به مطالعه کفایت‌های اجتماعی^{۲۵} دانش‌آموزانی که در منزل آموزش می‌بینند و دانش‌آموزان مدرسه‌ای پرداخته است. یافته‌های او بیانگر این است که کفایت‌های تحصیلی دانش‌آموزانی که در منزل آموزش می‌بینند بیشتر از دانش‌آموزان مدرسه‌ای است. همچنین دانش‌آموزان مدرسه‌ای ناسازگاری اجتماعی بیشتری نشان داده‌اند. یافته‌های این پژوهش بیانگر این است که ویژگی‌های والدین بر کفایت‌های اجتماعی دو گروه تأثیرگذار است. شغل والدین، ساختار خانواده، میزان تحصیلات پدر و اعتقادات مذهبی والدین از جمله متغیرهایی بودند که با ایجاد کفایت‌های اجتماعی در فرزندان رابطه نشان دادند. برای مثال دانش‌آموزانی که والدین‌شان به صورت تمام وقت مشغول به کارند بالاترین نمره را در سازگاری اجتماعی بدست آوردند.

آموزش در منزل برای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه: تصمیم درباره بافت آموزشی دانش‌آموزان با نیازهای ویژه، از اهمیت بسیاری برخوردار است. یکی از وظایف مسئولان تعلیم و تربیت استثنایی تعیین روش آموزش دانش‌آموزان با نیازهای ویژه است. کلاس عادی در مدرسه عادی، کلاس ویژه در مدرسه عادی، مدرسه ویژه و آموزش در منزل از جمله روش‌های آموزش است که برای این دانش‌آموزان در نظر گرفته شده است (شکوهی‌یکتا و پرنده، ۱۳۸۵).

هر یک از روش‌های مذکور با توجه به نیازها و ویژگی‌های دانش‌آموزان انتخاب می‌شوند. در هر صورت هدف نهایی، بهره‌گیری هرچه بیشتر دانش‌آموزان از آموزش است. آموزش در منزل برای دانش‌آموزان با ناتوانی و همچنین برای دانش‌آموزان تیزهوش و با استعداد کاربرد دارد. دانش‌آموزانی که از مشکلات جسمانی و بیماری‌های مزمن رنج می‌برند، به علت نیاز به مراقبت ویژه و مصرف دارو و عوارض ناشی از مصرف آن و سایر مشکلاتی که دارند حضور در مدرسه برایشان دشوار است و معمولاً غیبت‌های بسیاری دارند، به همین دلیل در اغلب موارد آموزش در منزل برای آن‌ها مفیدتر از آموزش در مدرسه است (شکوهی‌یکتا و پرنده، زیر چاپ).

دانش‌آموزان تیزهوش نیز می‌توانند از آموزش در منزل بهره ببرند زیرا این روش از انعطاف‌پذیری بسیاری برخوردار است و می‌توان سرعت پیشرفت آنان را با توجه به توانایی‌هایشان هماهنگ کرد. برنامه آموزش این گروه با توجه به نیازها و علایق آنان طراحی می‌شود و شامل دامنه‌ای از فعالیت‌هاست که با توجه به آن از معلمان مختلف برای آموزش دانش‌آموزان در منزل استفاده می‌کنند (شکوهی‌یکتا و پرنده، ۱۳۸۶).

البته الگوی آموزش در منزل از زمان‌های قدیم وجود داشته است. با مطالعه شرح حال بعضی از دانشمندان و مخترعان بزرگ از جمله توماس ادیسون، می‌توان دریافت که آن‌ها از حضور در مدرسه بهره نمی‌بردند و اغلب در منزل آموزش می‌دیدند. توماس ادیسون که از مدرسه طرد شده بود و حتی پدرش او را عقب‌مانده ذهنی تلقی می‌کرد، با آموزش‌های مادر توانست به بزرگترین مخترع تبدیل شود. این الگو که در زمان‌های قدیم به صورت غیررسمی استفاده می‌شد زمینه را برای طراحی برنامه‌های آموزشی انفرادی فراهم آورد (تیل^{۲۶}، ۲۰۰۷). بسیاری از دانشمندان شرقی نیز به همین روش آموزش دیده‌اند و در آن موفق بوده و پیشرفت‌های چشمگیری داشته‌اند.

این روش برای دانش‌آموزان با مشکلات رفتاری^{۲۷} نیز مناسب به نظر می‌رسد. دیووال، دلیکوادری و وارد^{۲۸} (۲۰۰۴) چهار کودک (دو دختر و دو پسر) دبستانی مبتلا به اختلال کاستی توجه - بیش‌فعالی^{۲۹} را از نظر اکتساب مهارت‌های اساسی^{۳۰} مقایسه کردند. از این گروه یک دختر و یک پسر در سیستم آموزش در منزل و یک دختر و یک پسر در مدرسه آموزش می‌دیدند. این پژوهشگران پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را با استفاده از آزمون‌هایی که قبل و بعد از آموزش اجرا کردند، مقایسه نمودند. در این پژوهش خواندن و ریاضی به منزله شاخص‌های پیشرفت تحصیلی در نظر گرفته شد. یافته‌های این پژوهش نشان داد، دانش‌آموزانی که در منزل درس می‌خواندند دو برابر دانش‌آموزانی که در مدرسه درس می‌خواندند وقت خود را صرف مواد آموزشی کرده و یادگیری آنان نیز بیشتر بوده است. در این سیستم آموزشی دانش‌آموز در محل زندگی خود و با استفاده از کتاب‌ها و فیلم‌های آموزشی می‌تواند در صورت نیاز چندین بار به یک مطلب گوش فرا دهد و بدون این‌که نگران اتلاف وقت سایر دانش‌آموزان باشد، درباره سؤالی فکر کند. هم‌چنین دانش‌آموز می‌تواند برای دروس ضعیف‌تر خود مدت زمان بیشتری را صرف کند. این سیستم آموزشی به دانش‌آموزان نقاط دور افتاده اجازه می‌دهد، دوره‌های آموزشی را که در دسترس آنان نیست به خوبی طی کنند. آموزش در منزل هم‌چنین جایگزین مناسبی برای آموزش در مدارس بسیار شلوغ است. زیرا در این گونه مدارس دانش‌آموزان قادر به استفاده از امکانات مدرسه نیستند (بشیر^{۳۱}، ۱۹۹۷).

طراحی و اجرای برنامه‌های آموزش در منزل: طراحی و اجرای برنامه‌های آموزش در منزل با توجه به شرایط و فرهنگ هر منطقه متفاوت است. برای مثال، در آمریکا حتی نیروی انسانی و ارزشیابی دانش‌آموزانی که در منزل آموزش می‌بینند در ایالت‌های مختلف، متفاوت است. در برخی از ایالت‌ها به منظور آموزش دانش‌آموزان در منزل، معلمان متخصص تربیت می‌شوند و به دانش‌آموزان کمک می‌کنند. در برخی دیگر از ایالت‌ها به منظور بررسی پیشرفت تحصیلی، دانش‌آموزان باید دائم و با فاصله زمانی معین از سوی مؤسسه‌های خاص آزمون شوند و در برخی دیگر تمامی مسئولیت‌ها از جمله آزمون گرفتن به عهده خانواده گذاشته می‌شود. در این موارد خانواده‌ها با مؤسسه‌های ارائه‌دهنده این خدمات ارتباط بسیار نزدیکی دارند، از جانب آن‌ها راهنمایی می‌شوند و مواد آموزشی

لازم را از آن طریق تهیه می‌کنند. حتی گاهی آموزش و پرورش یکی از والدین دانش‌آموز را به منزله معلم نیمه وقت استخدام می‌کند و بابت آموزش فرزند به او حقوق می‌دهد (فارنهام^{۳۲}، ۱۹۹۰).

در سیستم آموزش در منزل به منظور بالا بردن اعتماد به نفس^{۳۳} دانش‌آموزان و حل مشکلات و مسائل غیردرسی نیز کلاس‌هایی توسط کارشناسان به‌طور ماهانه یا فصلی برگزار می‌شود. محور اصلی مباحث مطرح‌شده در این کلاس‌ها، ارتقاء اعتماد به نفس دانش‌آموزان است. باید به آنان اطمینان داد که اگر با برنامه‌ریزی از اوقات خود در منزل استفاده کنند، از نظر پیشرفت تحصیلی از هم‌تایان خود که در مدرسه مشغول به تحصیل هستند، عقب نخواهند ماند. در این جلسات دانش‌آموزان می‌توانند شکست‌ها، ناکامی‌ها و ترس‌های خود را در زمینه آموزش در منزل بیان کنند و به بحث درباره آن‌ها بپردازند.

علاوه بر دانش‌آموزان، پدر و مادرها نیز به آموزش‌های منظم و سازمان‌یافته نیاز دارند. آن‌ها باید یاد بگیرند که چگونه بر فرایند یادگیری^{۳۴} و ارزشیابی فرزندان خود نظارت داشته باشند و چگونه مشکلات فرزندان خود را در رابطه با استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی - اطلاعاتی حل کنند و در صورت نیاز مسائل آنان را جمع‌آوری و طبقه‌بندی کنند و از طریق مشاوران مربوطه به حل آن مبادرت ورزند.

در این سیستم آموزشی، آموزش مهارت‌های اجتماعی^{۳۵} نیز مورد توجه مسئولان قرار دارد و همواره سعی شده است دانش‌آموزانی که در منزل درس می‌خوانند از نظر کسب مهارت‌های اجتماعی از هم‌تایان خود در مدرسه عقب نمانند. بر این اساس کلاس‌های آموزشی، مسابقه‌های ورزشی و مسافرت‌های درون شهری برای آنان در نظر گرفته می‌شود. شیرز^{۳۶} (۱۹۹۲)، به‌نقل از بیکر، پیوتروکوفسکی و بروکس^{۳۷}، (۱۹۹۹) رشد اجتماعی دانش‌آموزان ۱۰ تا ۱۲ ساله‌ای که در مدرسه و در منزل مشغول به تحصیل بودند را مقایسه کرد. در این پژوهش روان‌شناسان آموزش‌دیده، رفتارهای اجتماعی دانش‌آموزان دو گروه را بدون این‌که از شیوه آموزشی آنان اطلاع داشته باشند، مشاهده کردند، آنان متغیرهای خودپنداره و ابراز وجود^{۳۸} را با آزمون‌های رشد اجتماعی ارزیابی کردند. نتایج حاصله از این پژوهش بیانگر این است که دو گروه (دانش‌آموزانی که در مدرسه مشغول به تحصیل بوده و دانش‌آموزانی که در منزل مشغول به تحصیل بوده‌اند) از نظر خودپنداره و جرأت‌ورزی تفاوتی با یکدیگر نشان ندادند. مشاهده روان‌شناسان نیز بیانگر این است که دانش‌آموزانی که در منزل مشغول به تحصیل بودند، به ویژه دانش‌آموزان سنین پایین‌تر، رفتارهای مشکل‌ساز کمتری از خود نشان دادند.

ویژگی‌ها و نگرش‌های دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان: در سال‌های اخیر مردم تمایل

بیشتری دارند که کلیه کارهای خود را در منزل انجام دهند. آن‌ها ترجیح می‌دهند به جای رفتن به تئاتر به تماشای تلویزیون بپردازند، به جای رفتن به دریا در استخر منازل خود شنا کنند و به جای

تماشای مسابقات ورزشی در استادیوم‌ها، این مسابقات را در منزل و از طریق تلویزیون تماشا کنند. درباره آموزش نیز برخی از خانواده‌ها تمایل به آموزش فرزندان خود در منزل دارند (کیگان، ۲۰۰۰). رشد تکنولوژی و ایجاد مؤسسه‌های ارائه خدمات در زمینه آموزش در منزل به‌ویژه در کشورهای اروپایی و آمریکا، در تمایل مردم به استفاده از این سیستم آموزشی نقش دارد. برای موفقیت این نوع آموزش باید دانش‌آموز و خانواده وی با آن آشنایی کامل داشته و تمایل به استفاده از این نوع آموزش را نیز داشته باشند، همچنین پدر و مادر باید وقت کافی برای کمک به فرزندان خود داشته باشند. آموزش در منزل به زمان و کار جدی نیاز دارد. در صورتی که دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان زمان پیش‌بینی شده برای نیل به اهداف آموزشی و امکانات مورد نیاز مانند دسترسی به کتابخانه‌ها، مکان‌های ورزشی و سایت‌های اینترنتی را در اختیار داشته باشند، از این سیستم آموزشی بهره کافی خواهند برد. هنگامی که دانش‌آموز در منزل آموزش می‌بیند، مدت زمان بیشتری را در کنار خانواده صرف می‌کند، که این امر موجب استحکام پیوندهای خانوادگی می‌گردد (فارنهام، ۱۹۹۰).

برطبق پژوهش‌های انجام شده، اغلب خانواده‌هایی که فرزندان خود را در سیستم آموزش در منزل قرار می‌دهند از وضعیت اجتماعی - اقتصادی خوبی برخوردارند و سطح سواد آن‌ها حداقل دیپلم است. بعضی از خانواده‌هایی که بیش از سه فرزند دارند نیز آموزش در منزل را جایگزین مناسبی برای تحصیل فرزندان خود در مدارس خصوصی می‌دانند، زیرا پرداخت هزینه تحصیل در این مدارس به‌طور همزمان برای چند فرزند بسیار بالاست. اغلب مادران این دانش‌آموزان نگران تجربه‌های آموزشی و اجتماعی منفی فرزندان خود در مدارس دولتی نیز هستند و به همین دلیل از ثبت نام آنان در این نوع مدارس اجتناب می‌ورزند. به نظر این خانواده‌ها آموزش در منزل موجب افزایش ساعات گذران اوقات با یکدیگر می‌شود و فرزندان آن‌ها فرصت بیشتری برای تعامل با بزرگسالان (مانند والدین، همسایگان و اقوام) پیدا می‌کنند. به همین دلیل در مقایسه با همتایان خود در مدارس مسئولیت‌پذیری بیشتری از خود نشان می‌دهند (مک‌گراو، برگن و شوم^{۳۹}، ۱۹۹۳؛ شوم، ۱۹۹۴، ۱۹۹۸). درباره رشد اخلاقی^{۴۰} دانش‌آموزانی که در منزل آموزش می‌بینند مطالعاتی صورت گرفته است. مانوئل^{۴۱} (۲۰۰۰) رشد اخلاقی نوجوانان مدرسه‌ای را با نوجوانانی که در منزل آموزش می‌دیدند، مقایسه کرد. او با استفاده از تحلیل واریانس و رگرسیون چندگانه پاسخ‌های دو گروه را بررسی نمود. یافته‌های او نشان دادند که نمره‌های استدلال اخلاقی دو گروه با یکدیگر تفاوت معناداری ندارند.

اغلب والدینی که از آموزش در منزل استفاده می‌کنند معتقدند که این شیوه آموزشی موجب استقلال فرزندان آنان می‌شود. مسئولان دانشگاه بوستون اظهار داشتند، دانش‌آموزانی که در دوره دبیرستان در سیستم آموزش در منزل قرار می‌گیرند در مقایسه با سایر دانش‌آموزان به هنگام ورود به دانشگاه از استقلال بیشتری برخوردارند و این خودتکایی موجب می‌شود که در برنامه‌های درسی که نیاز به چالش ذهنی^{۴۲} دارد، عملکرد بهتری داشته باشند (ایوانز و نیشن، ۱۹۹۶).

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که انگیزه خانواده‌ها در انتخاب سیستم آموزش در منزل پیچیده است ولی به نظر می‌رسد این تصمیم واکنشی نسبت به سستی پیوندهای خانوادگی و مسائل و مشکلات اجتماعی در غرب است (مای بری و ناولس^{۴۳}، ۱۹۹۰). در مطالعه دیگری که توسط مای بری (۱۹۹۰) صورت گرفته است، عواملی نظیر زندگی در روستاها یا شهرهای کوچک نیز به منزله علتی برای انتخاب آموزش در منزل ذکر شده است. چرا که روش‌ها و امکانات آموزشی در مقایسه با شهرهای بزرگ از تنوع کمتری برخوردارند و دانش‌آموزان در انتخاب روش آموزش و حتی گاهی رشته تحصیلی خود با محدودیت‌هایی مواجه می‌گردند.

برخلاف آمریکا، در کشور انگلستان انگیزه‌های مذهبی و پیشرفت تحصیلی فرزندان از مهم‌ترین انگیزه‌های انتخاب آموزش در منزل از سوی خانواده‌ها تلقی می‌شود. در یک مطالعه زمینه‌یابی، بسیاری از خانواده‌های انگلیسی علت انتخاب سیستم آموزش در منزل را برای کودکان خود انعطاف‌پذیر بودن این نوع آموزش، مدیریت همراه با اجبار در مدرسه، مسائل مذهبی و پیشرفت تحصیلی ذکر کرده‌اند (مای بری، ۱۹۹۰).

خانواده‌هایی که فرزندان آن‌ها به دلیل داشتن ارزش‌های مذهبی یا مشکلات تحصیلی از مدرسه طرد می‌شوند، آموزش در منزل را به آموزش در مدارس خصوصی و دولتی ترجیح می‌دهند. لانگ و لیو^{۴۴} (۱۹۹۹) با توجه به این‌که در ایالت مینه‌سوتا در آمریکا انواع آموزش در دسترس خانواده‌ها قرار دارد، دلایل استفاده از آموزش در منزل را مطالعه کردند، بر اساس یافته‌های آنان دلایل والدین را برای استفاده از آموزش در منزل می‌توان به پنج دسته تقسیم کرد: فلسفه آموزش و پرورش از نظر والدین، نیازهای ویژه دانش‌آموزان، محیط نامناسب مدرسه، مغایرت ارزش‌ها و شیوه زندگی خانواده با ارزش‌های مدرسه، مذهب و اصول اخلاقی. برخی از خانواده‌های دانش‌آموزان استثنایی، دانش‌آموزان بیمار، دانش‌آموزانی که ترس از مدرسه دارند، دانش‌آموزانی که از مدرسه اخراج شده‌اند و دانش‌آموزانی که با یکی از والدین زندگی می‌کنند نیز آموزش در منزل را برای فرزندان خود بر آموزش سنتی ترجیح می‌دهند (بشیر، ۱۹۹۷). بر اساس مطالعه‌ای که در ایالات متحده آمریکا صورت گرفته است دانش‌آموزان تیزهوش^{۴۵} دختر بیش از دانش‌آموزان با استعداد پسر به آموزش در منزل تمایل نشان می‌دهند. هم‌چنین دانش‌آموزان تیزهوش آفریقایی - آمریکایی، آسیایی و اسپانیایی در مقایسه با سایر قومیت‌ها به آموزش در منزل تمایل بیشتری دارند. این تمایل را می‌توان به جنبه‌های اجتماعی - فرهنگی و ارزش‌های خانواده نسبت داد. علاوه بر این، دانش‌آموزان تیزهوش علت تمایل خود را به انعطاف‌پذیر بودن برنامه‌های درسی و زمان‌بندی آن، مناسب بودن محیط خانه برای یادگیری و وجود امنیت در منزل نسبت دادند (جانسون و بک یولاین^{۴۶}، ۲۰۰۰).

برخی از والدین نیز بوروکراسی حاکم بر نظام آموزشی در مدارس را قبول ندارند و تصور می‌کنند وجود بوروکراسی و سخت‌گیری در مدرسه به‌ویژه در پایه‌های تحصیلی پایین‌تر، موجب دلسرد شدن

کودکان آنان از محیط‌های آموزشی و افت تحصیلی آنان گردد. بنابراین ترجیح می‌دهند یا خود آموزش فرزندان خود را به عهده بگیرند یا این وظیفه را به دوستان و اقوام خود که آموزگار هستند واگذار نمایند. این خانواده‌ها به‌طور معمول به توانایی‌ها و امکانات خود در آموزش فرزندان اطمینان دارند (بیکر، پیوتر و کوفسکی و بروکس، ۱۹۹۹).

به نظر برخی از خانواده‌ها به‌ویژه در آمریکا نظام آموزش و پرورش از غنای کافی برخوردار نیست و به همین دلیل، آنان از آموزش در منزل به منظور بالا بردن کیفیت آموزش فرزندان خود استفاده می‌کنند. برخی دیگر از خانواده‌های آمریکایی انگیزه خود را در انتخاب آموزش در منزل وجود جرم و مواد مخدر در مدارس بیان می‌دارند. به نظر آن‌ها در مدارس آمریکا مسئولان مدرسه از قدرت کافی برای کنترل دانش‌آموزان برخوردار نیستند. بر طبق مطالعه‌ای که سازمان آموزش و پرورش ایالت فلوریدا در سال ۱۹۹۷ انجام داد؛ ۴۲٪ از خانواده‌ها، علت انتخاب آموزش در منزل را عدم اطمینان خاطر از رفتن فرزندانشان به مدارس دولتی ذکر کردند.

مطالعه سازمان آموزش و پرورش ایالت فلوریدا درباره شغل والدین ۵۴۰۲ دانش‌آموزی که در منزل آموزش می‌دیدند بیانگر این است که ۱۷/۳٪ از والدین این دانش‌آموزان حسابدار یا مهندس، ۱۶/۹٪ پزشک، استاد دانشگاه یا حقوقدان هستند، ۱۰/۷٪ به تجارت می‌پردازند و بقیه از مشاغل مختلف و متعدد دیگر برخوردارند. بر طبق همین زمینه‌یابی، ۸۷/۷٪ مادران نیز ماندن در خانه و آموزش به فرزندان خود را بر کار در خارج از منزل ترجیح می‌دهند. در این زمینه‌یابی علت انتخاب آموزش در منزل از جانب خانواده‌ها نیز مورد بررسی قرار گرفت. به نظر می‌رسد تمامی علل مطرح شده از جانب والدین را می‌توان در دو دسته قرار داد: داشتن ایدئولوژی خاص و وجود مسئولان و معلمان سخت‌گیر در مدرسه و تحت فشار بودن دانش‌آموزان.

با توجه به اهمیت و نقش خانواده در استفاده از آموزش در منزل، در ارائه راهبردهای مناسب برای آموزش در منزل باید هدف خانواده از انتخاب این سیستم آموزشی مدنظر قرار گیرد، زیرا ممکن است فلسفه خانواده با فلسفه متخصصان مشترک نباشد و در این صورت خانواده از به‌کارگیری این شیوه احساس رضایت نخواهد کرد. خانواده‌ها معمولاً راهبردهایی را می‌پذیرند که به نظر آن‌ها سودمند است (فارنهام، ۱۹۹۰). دانش‌آموزانی که آموزش در منزل را ترجیح می‌دهند به‌طور معمول یا توانایی پرداخت هزینه مدرسی را که مناسب می‌دانند ندارند، یا تجارب بدی از مدرسه رفتن دارند، یا قادر به طی مسافتی طولانی برای رفتن به مدرسه نیستند یا از سیستم آموزشی ناراضی هستند. با توجه به این‌که در هر جامعه تعدادی از افراد حداقل یک مورد از موارد فوق را دارا می‌باشند و با توجه به این‌که در هر جامعه همه افراد از حق ادامه تحصیل برخوردارند؛ تهیه و تدارک امکانات و نیروی انسانی و به‌ویژه برنامه‌ریزی مناسب برای آنان از اهمیت بسیاری برخوردار است. برخی از دانش‌آموزان ضمن این‌که به ادامه تحصیل علاقه‌مند هستند، مجبورند شغلی نیز اختیار

کنند. برخی دیگر به رشته‌هایی علاقه‌مندند که امکان ادامه تحصیل در رشته مورد نظر برای آن‌ها نیست و برخی دیگر دارای معلولیت‌هایی هستند که امکان جابه‌جا شدن برای آنان را مشکل می‌کند. برای این افراد آموزش در منزل می‌تواند جایگزین مناسبی باشد.

هم‌چنین برای بزرگسالان که در گذشته فرصت‌های آموزشی خود را از دست داده‌اند این شیوه آموزشی بسیار مورد استقبال قرار گرفته است، زیرا آنان فرصت کافی جهت بهره‌گیری از آموزش سنتی را ندارند (کیگان، ۲۰۰۰). در ایران نیز در سال‌های اخیر آموزش در منزل، البته نه به‌عنوان جایگزین آموزش در مدرسه بلکه به‌عنوان مکمل آموزش مدرسه‌ای، رواج بسیاری یافته است. به نظر می‌رسد با بالا رفتن انتظارات و استانداردهای خانواده‌های ایرانی، برخی از خانواده‌ها آموزش در مدرسه را برای فرزندان خود کافی نمی‌دانند و سعی می‌کنند از معلمان خصوصی استفاده کنند یا خود فرصت‌هایی را برای غنی‌سازی آموزشی فرزندان خود اختصاص دهند.

ویژگی‌های آموزش در منزل: در سال‌های اخیر به دلیل رشد فزاینده تمایل به استفاده از آموزش در منزل توسط دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان در برخی از کشورها، مسئولان تعلیم و تربیت سعی در ارتقاء کمیت و کیفیت این سیستم آموزشی نموده‌اند. البته متخصصان مختلف در زمینه ویژگی‌های آموزش در منزل و چگونگی ارائه آن نظرات متفاوتی را بیان داشته‌اند، ولی در این موارد تقریباً همه آن‌ها باهم توافق دارند: در این نوع آموزش رابطه چهره به چهره اندک است. معمولاً کلاس یا مکان مشخصی برای آموزش وجود ندارد. دستورالعمل‌های کلامی اندک هستند. در هنگام انجام تکالیف، معلم بر فرایند انجام آن نظارت ندارد و تنها می‌تواند نتایج را بررسی کند. به‌طور معمول یادگیری به‌صورت انفرادی صورت می‌گیرد. استفاده از وسایل ارتباطی نظیر پست الکترونیک، تلویزیون، رادیو و غیره ضروری است. میزان یادگیری با انگیزه‌های درونی دانش‌آموز رابطه نزدیکی دارد. هم‌چنین، برنامه‌ریزی انفرادی است و قبل از برنامه‌ریزی، توانایی‌های دانش‌آموزان مانند توانایی خواندن^{۴۷}، هوش^{۴۸} و دانش پیشین^{۴۹} او در زمینه موضوع مورد نظر بررسی می‌شود. سپس برنامه آموزشی، متناسب با توانایی‌ها، نیازها و امکانات فردی دانش‌آموزان طراحی می‌شود. چرا که اگر بدون توجه به رفتار ورودی و توانایی‌های ذهنی^{۵۰} آن‌ها برنامه‌ریزی صورت گیرد ممکن است مواد درسی برای دانش‌آموزان یا آن‌قدر تکراری باشند که انگیزه آنان را کاهش دهد یا آن‌قدر مشکل باشند که دانش‌آموز قادر به فراگیری نباشد (آگاروال، ۱۹۹۵).

اگر آموزش در منزل به‌طور سیستماتیک صورت نگیرد و وسایل، امکانات و راهنمایی‌های تخصصی در دسترس نباشد با شکست مواجه خواهد شد. برای موفقیت آموزش در منزل نکاتی چند باید مورد توجه خانواده‌ها و مسئولان قرار گیرد:

- سرعت بازخورد^{۵۱}: ریکی دال^{۵۲} (۱۹۸۴) اظهار داشت که سرعت بازخورد در موفقیت یا شکست آموزش نقش مهمی دارد. در این سیستم آموزشی، دانش‌آموز باید اطمینان داشته باشد که در شرایط

زمانی و مکانی متفاوت می‌تواند پاسخ سؤالات خود را دریافت کند. با استفاده از بازخورد به موقع باید پاسخ‌های دانش‌آموزان به سؤالات درسی تصحیح شود؛ سپس پاسخ‌های درست آنان مشخص شده و تشویق گردد. پاسخ‌های غلط نیز تجزیه و تحلیل شده و علت غلط بودن آن برای دانش‌آموز مشخص شود و با توجه به میزان آمادگی دانش‌آموز مرحله بعدی مطالعه به او پیشنهاد گردد.

- به‌کارگیری تکنولوژی آموزشی^{۵۳}: جدایی فیزیکی معلم و دانش‌آموزان در این سیستم آموزشی استفاده از تکنولوژی آموزشی را ضروری می‌سازد. مطالعات گریسون^{۵۴} (۱۹۸۵) نشان داده است که موفقیت آموزش با کمیت و کیفیت تکنولوژی آموزشی به‌کار گرفته شده همبستگی مثبت دارد.

- آموزش با حداقل محدودیت زمانی: در آموزش سنتی جدول زمانی خاصی برای طی دوره‌های تحصیلی وجود دارد و اگر دانش‌آموز قادر به طی دوره در مدت زمان معینی نباشد باید ترک تحصیل کند. ولی در سیستم آموزش در منزل جدول زمان بندی کلاسی وجود ندارد و زمان و مکان خاصی جهت یادگیری تحمیل نمی‌شود (گریسون، ۱۹۸۵).

- ارزان بودن این نوع آموزش: پژوهش‌ها (برای مثال رامبل^{۵۵}، ۱۹۹۷) نشان داده‌اند، در صورتی که از رسانه‌هایی نظیر کامپیوتر، تلویزیون و غیره به‌طور افراطی استفاده نشود، آموزش در منزل در مقایسه با آموزش سنتی بسیار کم هزینه خواهد بود. زیرا شهریه مدرسه و هزینه رفت و آمد که بیشترین هزینه تحصیل در سیستم سنتی است حذف می‌شود. همین موضوع موجب تمایل مسئولان کشوری و آموزش و پرورش در برخی از کشورها به اشاعه این سیستم شده است. زیرا در این صورت مجبور نیستند همراه با رشد جمعیت دانش‌آموزان، فضاهای آموزشی را که در برگیرنده هزینه‌های گزافی است افزایش دهند (کیگان، ۲۰۰۰).

وسایل و امکانات

امروزه تکنولوژی‌های بسیاری برای آموزش در منزل استفاده می‌شود مانند: نوار کاست، فیلم، لوح فشرده، پست الکترونیک، تلویزیون، ماهواره و سایر وسایل کمک آموزشی.

با توجه به رشد فزاینده تمایل خانواده‌ها به آموزش فرزندان در منزل، مسئولان تعلیم و تربیت در کشورهای اروپایی و آمریکایی خدمات ویژه‌ای را به این خانواده‌ها و فرزندان آنان ارائه می‌دهند. مؤسسه‌های گوناگونی وظیفه ارائه خدمات و وسایل آموزشی مورد نیاز خانواده‌ها و راهنمایی آنان را بر عهده دارند. آن‌ها باید بتوانند صدها یا حتی هزاران دانش‌آموز را تحت پوشش قرار دهند. در برخی از کشورها، وزارت آموزش و پرورش خدمات مربوط به آموزش در منزل را ارائه می‌دهد. در این وزارتخانه در بخش آموزش در منزل، متخصصانی به‌صورت تمام وقت مشغول به‌کار هستند. آن‌ها وظیفه برنامه‌ریزی درسی و ارائه خدمات حمایتی به دانش‌آموزان را بر عهده دارند.

مؤسسه‌های خصوصی نیز در زمینه ارائه خدمات به دانش‌آموزانی که در منزل به تحصیل مشغول هستند، فعالیت دارند. آن‌ها معمولاً وظیفه تهیه مواد آموزشی و کمک آموزشی را به عهده دارند. پس از این‌که مواد آموزشی و کمک آموزشی در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفت؛ تکالیف مربوط به آن‌ها که توسط دانش‌آموزان انجام گرفته است تصحیح شده و در صورت لزوم مواد آموزشی اصلاح می‌شوند. بخشی از هزینه‌های این مؤسسه‌ها از سوی آموزش و پرورش و بخشی از سوی خانواده‌ها تأمین می‌شود. دانش‌آموزان به وسیله پست، تلفن، پست الکترونیکی یا مراجعه به مراکز مربوطه، مواد آموزشی و کمک آموزشی مورد نیاز خود را دریافت می‌کنند. آن‌ها همچنین سؤال‌های خود را به همان ترتیب برای مؤسسه مربوطه ارسال داشته و بازخورد مناسب را نیز دریافت می‌دارند (کیگان، ۲۰۰۰).

این مؤسسه‌ها ابتدا انتظارات خانواده از آموزش و پرورش و نیازهای فرزندان آنان را بررسی می‌کنند، سپس مواد علمی مورد نیاز آن‌ها را با توجه به نیازهای دانش‌آموزان در سنین مختلف در دسترس آن‌ها قرار می‌دهند. برنامه‌ریزی و زمان بندی لازم نیز با مشورت خانواده‌ها طراحی می‌شود. آن‌ها مواد و منابع علمی استاندارد شده نظیر کتاب، مجله، فیلم و غیره را در اختیار خانواده‌ها قرار می‌دهند و استفاده از کتابخانه‌ها، پارک‌ها، موزه‌ها و منابع اینترنت را که از منابع مرجع به شمار می‌آیند، توصیه می‌کنند. همچنین در طول دوره‌های آموزشی، پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان به‌طور مداوم ارزیابی می‌شود و در نوع و چگونگی ارائه برنامه‌ها تجدید نظر می‌شود.

مواد و منابع آموزشی برای دانش‌آموزانی که در منزل آموزش می‌بینند با مواد و منابع آموزشی که در مدارس استفاده می‌شود، متفاوتند. این منابع به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که دانش‌آموز بتواند به تنهایی درسی را بخواند، پرسش‌های مربوط به آن را پاسخ داده و خود را ارزیابی کند و به کمک مشاور خود در مدرسه یا مؤسسه مربوطه به نقاط قوت و ضعف خود پی ببرد. بدین منظور در کشورهای اروپایی و آمریکایی ناشران خاصی وجود دارند که کتاب‌های ویژه آموزش در منزل را زیر نظر مؤسسه‌های آموزش در منزل و با توجه به اهداف آموزش و پرورش به چاپ می‌رسانند. در این کتاب‌ها فعالیت‌هایی که باید از سوی والدین و دانش‌آموزان در منزل صورت گیرد کاملاً مشخص شده‌اند. این منابع به وفور و به آسانی در دسترس خانواده‌ها قرار می‌گیرند و خانواده قادر است بدون انجام مسافرت‌های درون‌شهری از طریق پست، مواد آموزشی مورد نیاز فرزند خود را تأمین کند (لرسون^{۵۶}، ۱۹۹۹).

ویلیامز^{۵۷} (۱۹۹۵ به نقل از لرسون، ۱۹۹۹) پیشنهاد کرده است، خانواده‌ها منابع مرجع مانند: فرهنگ‌ها، اطلس‌ها، کتاب‌های اطلاعات عمومی و لوح‌های فشرده آموزشی (CD) را برای فرزندان خود در خانه مهیا کنند تا به راحتی در دسترس آن‌ها قرار گیرد. همچنین مجلات علمی باید

متناسب با سن دانش‌آموز به‌طور مرتب در اختیار او قرار گیرد. کانال‌های آموزشی تلویزیون و کتابخانه‌های محلی نیز به یادگیری دروس مختلف کمک می‌کنند.

علاوه بر علوم، کتاب‌های دیگری در زمینه آموزش مهارت‌های زندگی برای دانش‌آموزانی که در منزل آموزش می‌بینند به چاپ می‌رسد. همچنین آموزش جرأت‌ورزی و شیوه‌های ابراز وجود به صورت تصویری و نوشتاری در کتب مخصوص به چاپ می‌رسند و دانش‌آموزان با استفاده از این کتاب‌ها و با کمک خانواده مهارت‌های اجتماعی را به تدریج و در پایه‌های کلاسی مختلف کسب می‌کنند.

بسیاری از برنامه‌های تلویزیونی نیز مفاهیم علمی را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند و در اغلب موارد برای درک بهتر مطلب، فعالیت‌هایی را به بیننده‌های خود پیشنهاد می‌کنند (لرسون، ۱۹۹۹). منابع دیگری که به دانش‌آموز کمک می‌کنند محیط جغرافیایی خود و تاریخ جهان را بهتر بشناسد عبارتند از: موزه‌های تاریخ طبیعی، پارک‌ها، آکواریوم‌ها، مراکز علمی، جنگل‌ها و غیره.

اغلب مؤسسه‌هایی که مسئولیت طراحی و اجرای برنامه‌های آموزش در منزل را به عهده دارند، گروه‌هایی متشکل از دانش‌آموزان را به مکان‌های یاد شده می‌برند. دانش‌آموزان ضمن گردش در این فضاها، اطلاعات بسیاری جمع‌آوری می‌کنند. در ضمن این اطلاعات به صورت فیلم و دیسکت نیز در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد. در این فیلم‌ها ضمن نشان دادن تصاویر مربوط به مکان‌های علمی و فرهنگی، در مورد آن‌ها توضیحاتی ارائه می‌گردد (ایوانز و نیشن، ۱۹۹۶).

در این سیستم آموزشی علاوه بر آموزش دانش‌آموزان به صورت نظری، دروس عملی نیز برای آنان طراحی شده است. هدف از طراحی و اجرای این برنامه‌ها، ارتقاء مهارت‌های عملی دانش‌آموزان است. در این برنامه‌ها فعالیت‌هایی مانند ساختن یک قایق کوچک، دوختن لباس برای عروسک، نقاشی یک منظره و غیره از دانش‌آموز خواسته می‌شود. زمان و وسایل مورد نیاز برای هر یک از فعالیت‌ها نیز به دانش‌آموزان پیشنهاد می‌شود. این فعالیت‌ها با توجه به مهارت‌های اساسی که دانش‌آموزان نیاز دارند، طراحی می‌شوند. یکی از روش‌های مناسب برای انتخاب این فعالیت‌ها عبارت است از تهیه فهرست از مهارت‌هایی که مدارس هر منطقه در هر پایه تحصیلی برای رشد دانش‌آموزان ضروری می‌دانند. برای مثال، یکی از مهارت‌هایی که دانش‌آموزان پایه سوم دبستان به آن نیاز دارند، شناخت اجزاء اشیا متفاوت و اتصال آن به یکدیگر است. در این پایه تحصیلی دانش‌آموز باید بتواند برای مثال اجزای یک قایق کوچک را به درستی به هم وصل کند (فارنهام، ۱۹۹۰).

برای دروس عملی و نظری مواد آموزشی شامل کتاب درسی، راهنمای مطالعه، تکالیف خواندنی، سخنرانی معلم (در فرم نوشتاری)، آزمون‌های کوتاه، آزمون‌های طولانی و پاسخ‌های آنان تهیه می‌شود. در صورتی که دانش‌آموز با مشکلی برخورد کند یا به معلم مشاور خود مراجعه می‌کند یا از

طریق پست الکترونیکی و سایر روش‌های مکاتبه‌ای با او ارتباط برقرار می‌کند. در طی دوره از هر دانش‌آموز بین ۶ تا ۱۲ آزمون گرفته می‌شود و میانگین نمره‌های این آزمون‌ها به‌عنوان ملاکی برای ارزیابی دانش‌آموز در نظر گرفته می‌شود. در صورتی که دانش‌آموز حد نصاب مورد نظر را کسب کند پایه تحصیلی را با موفقیت پشت سر گذاشته و پایه بعدی را آغاز می‌کند. اغلب دانش‌آموزانی که در منزل درس می‌خوانند کلاس‌های نهم تا دوازدهم را بین دو تا سه سال به پایان می‌رسانند. این دانش‌آموزان به‌طور متوسط ۴ تا ۶ ساعت در روز را درس می‌خوانند.

در آموزش سنتی و آموزش در منزل به‌صورت برنامه‌مدار اعتقاد بر این است که بهترین شکل یادگیری از طریق برنامه‌ریزی دقیق، مطالعه کتب درسی و آزمون‌های استاندارد، صورت گیرد. در حالی که برخی از کارشناسان معتقدند دانش‌آموزان هنگامی به فراگیری مطلبی تمایل نشان می‌دهند که علایق آن‌ها، نوع و چگونگی آموزش را تعیین کنند یعنی آموزش مبتنی بر علاقه دانش‌آموزان باشد. در این نوع آموزش، خانواده‌ها سعی می‌کنند در منزل محیطی را فراهم آورند که فرزندان آنان را به مطالعه و یادگیری در زمینه آن‌چه به آن علاقه‌مندند تشویق کنند، مانند دیدن فیلم در زمینه زندگینامه یک شاعر برای درس تاریخ ادبیات، مشاهده پرواز یک پرنده برای درس علوم و غیره. به‌نظر طرفداران این شیوه آموزشی، فرصت‌های آموزشی در محیط زندگی بی‌پایان هستند و با تشویق دانش‌آموزان به یادگیری از محیط می‌توان به آنان کمک کرد تا دامنه وسیعی از دانش را از محیط کسب کنند.

برخی از خانواده‌ها نیز ترکیبی از روش‌های ذکر شده را انتخاب می‌کنند. برای مثال، برای یادگیری یک درس هم از کتاب‌های درسی استفاده می‌کنند و هم به فرزند خود این فرصت را می‌دهند که در زمینه مسائل مورد علاقه خود به کاوش در محیط بپردازد. به نظر این خانواده‌ها داشتن جداول زمانی و برنامه‌ریزی از پیش تعیین شده به دانش‌آموزان کمک می‌کند، از فرصت‌های خود حداکثر استفاده را بنمایند.

به منظور تقویت قوای جسمانی دانش‌آموزانی که در منزل مشغول به تحصیل هستند، کلوپ‌های ورزشی، تیم‌هایی را متشکل از دانش‌آموزانی که در منزل تحصیل می‌کنند، ایجاد کرده‌اند. کلیه دانش‌آموزان می‌توانند در این تیم‌ها و در ورزش‌های مورد علاقه خود شرکت کنند.

بحث

در این مقاله نقاط قوت و ضعف آموزش در منزل مورد توجه قرار گرفت. با توجه به انقلاب الکترونیکی در دهه‌های اخیر مسئله رابطه چهره به چهره نیز که مورد توجه مخالفان آموزش در منزل بوده تا حدودی حل شده است. در دهه‌های اخیر به منظور بررسی نقش روش‌های مختلف آموزش در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است. نتایج بسیاری از

این پژوهش‌ها بیانگر عدم وجود تفاوت معنادار در عملکرد دانش‌آموزانی است که با شیوه‌های متفاوت آموزش دیده‌اند.

برای مثال دوبین و تاوگیا^{۵۸} (۱۹۶۸) روش‌های سخنرانی^{۵۹}، آموزش از طریق تلویزیون، سمینار و ترکیب‌های مختلفی از این روش‌ها را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های آن‌ها نشان داد که بین نمرات پایان ترم دانش‌آموزانی که با روش‌های مذکور آموزش دیده‌اند تفاوت معناداری وجود ندارد. شرام^{۶۰} (۱۹۷۷) نیز روش‌های سخنرانی با استفاده از کتاب، سخنرانی با استفاده از تصاویر متحرک، آموزش از طریق تلویزیون و آموزش از طریق کامپیوتر را مقایسه کرد. یافته‌های پژوهشی او بیانگر این است که روش آموزش باید با توجه به هدف‌های آموزشی انتخاب گردد و کارکرد آموزشی دانش‌آموزان که ملاک آن عملکرد دانش‌آموز در امتحانات است در روش‌های سخنرانی، آموزش از طریق تلویزیون و آموزش از طریق کامپیوتر تفاوتی با یکدیگر ندارند. راسل^{۶۱} (۱۹۹۹) گزارش ۳۵۵ پژوهش در زمینه آموزش در منزل و آموزش سنتی را مورد بررسی قرار داد. بر اساس پژوهش او بین نتایج حاصل از آموزش در منزل و آموزش سنتی تفاوت معناداری وجود ندارد و متغیرهایی نظیر یادگیری موفق، کیفیت یادگیری، نگهداری یادگیری و انتقال مواد یاد گرفته شده به محیط زندگی با نوع آموزش (آموزش در منزل و آموزش سنتی) رابطه ندارند. یافته‌های راسل بیانگر این است که برای آموزش از راه دور و با روش غیرسنتی به تکنولوژی گران قیمت نیازی نیست و می‌توان با استفاده از رسانه‌های جمعی نظیر رادیو، تلویزیون و کامپیوتر به اهداف آموزشی دست یافت. با وجود این و علی‌رغم به‌کارگیری تمامی امکانات لازم برای موفقیت آموزش در منزل، همکاری دائم حداقل یکی از والدین ضروری به نظر می‌رسد.

با توجه به نتایج پژوهش‌های انجام شده و با در نظر گرفتن مزایا و محدودیت‌های آموزش در منزل در مقایسه با آموزش سنتی می‌توان نتیجه گرفت که به کارگیری و ترویج آموزش در منزل حداقل درباره برخی از دانش‌آموزان می‌تواند در کاهش مشکلات آموزش و پرورش، خانواده‌ها و دانش‌آموزان مؤثر باشد. البته در این زمینه به انجام پژوهش‌های بیشتری در ایران نیاز است. دانش‌آموزان با نیازهای ویژه، به‌خصوص دانش‌آموزان با آسیب‌های جسمانی و سلامت، دانش‌آموزان تیزهوش و با استعداد و دانش‌آموزان با عقب‌ماندگی ذهنی گروه‌هایی هستند که می‌توانند از برنامه‌های ساختاریافته آموزش در منزل به خوبی بهره ببرند، به شرط آن‌که به برنامه‌های آموزشی مناسب، وسایل کمک آموزشی و معلمان آموزش دیده دسترسی داشته باشند و والدین‌شان نیز در این زمینه از آگاهی لازم برخوردار باشند.

یادداشت‌ها

1. Homeschooling
2. Keegan
3. Arora
4. Lines
5. Neo-Liberal
6. Aurini & Davies
7. Feeling of efficacy
8. Collom & Mitchell
9. Lopez Havgen
10. Lattibeaudiere
11. Evans & Nation
12. Luffman
13. Aggarwall
14. Arai
15. Electronical revolution
16. Virtual classrooms
17. Kennewell, Parkinson, & Tanner
18. Monitoring
19. Evaluation
20. Feedback
21. Independence
22. Valdez
23. Social Skills
24. Self concept
25. Social competence
26. Teel
27. Behavior problems
28. Duvall, Delquadri, & Ward
29. Attention-deficit/hyperactivity disorder disorder
30. Basic skills
31. Boshier
32. Farnham
33. Self-confidence
34. Learning process
35. Social skills
36. Shears
37. Baker, Piotrkowski, & Brooks
38. Self -assertion
39. Mc Graw, Bergen, & Schumm
40. Moral development
41. Manuel
42. Mental challenging
43. Mayberry & Knowles
44. Lange & Liu
45. Talented students
46. Johnson & Jacqueline
47. Reading
48. Intelligence
49. Prior knowledge
50. Mental abilities
51. Feedback speed
52. Rekkedal
53. Instructional technology
54. Garrison
55. Rumble
56. Lorson
57. Williams
58. Dubin & Taveggia
59. Lecture
60. Schramm
61. Russel

منابع

- شکوهی یکتا، م. و پرند، ا. (۱۳۸۵). *آزمون‌های روانی و تربیتی*. تهران: انتشارات تیمورزاده.
- شکوهی یکتا، م. و پرند، ا. (۱۳۸۶). *روان‌شناسی و آموزش تیزهوشان*. تهران: انتشارات تیمورزاده.
- شکوهی یکتا، م. و پرند، ا. (زیرچاپ). *روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی*. تهران: انتشارات تیمورزاده.
- Aggarwall, J. C. (1995). *Development and planning of modern education*. New Dehli: Viskas Publishing house.
- Arai, A. B. (1999). Homeschooling and redefinition of citizenship. *Education Policy Analysis Archives*.
- Arora, T. C. (2003). School-aged children who are educated at home by their parents: Is there a role for educational psychologists? *Educational Psychology in Practice, 19*(2), 103-112.

- Aurini, J., & Davies, S. (2005). Choice without markets: Homeschooling in the context of private education. *British Journal of Sociology of Education, 26*(4), 461-474.
- Baker, A. J. L., Piotrowski, C. S., & Brooks, G. J. (1999). The effects of the home instruction program for preschool youngsters on children school performance at the end of the program and one year later. *Early Childhood Research Quarterly, 13*(4), 571-588.
- Boshier, R. (1997). Best and worst dressed web courses: Strutting into the twenty-first century in comfort and style. *Distance Education, 18*(2), 327-349.
- Collom, E. d., & Mitchell, D. E. (2005). Homeschooling as a social movement: Identifying the determinants of homeschooler's perceptions. *Sociological Spectrum, 25*(3), 273-305.
- Dubin, R., & Taveggia, T. (1968). *The teaching-learning paradox*. Eugen: University of Oregon.
- Duvall, S. F., Delquadri, J. C., & Ward, D. (2004). A preliminary investigation of the effectiveness of homeschool instructional environments for students with attention-deficit/hyperactivity disorder. *School Psychology Review, 33*(1), 104-158.
- Evans, T. & Nation, D. (1996). *Opening education*. London: Routledge.
- Farnham, D. S. (1990). *Schooling*. Harvard University Press.
- Garrison, D. (1985). Three generation of technological innovation in distance education. *Distance Education, 6*(32), 235-241.
- Keegan, D. (2000). *Distance Training*. London: Routledge Falmer.
- Kennewell, S., Parkinson, J., & Tanner, H. (2000). *Developing the ICT capable school*. London: Routledge Falmer.
- Lange, C. M., & Liu, K. K. (1999). *Homeschooling: Parents reasons for transfer and the implications for educational policy*. U.S.A: ERIC
- Lattibeaudiere, V. H. (2000). An exploratory study of the transition and adjustment of former home-schooled student to college life. *Dissertation Abstracts International, 61*(6-A).
- Lines, P. M. (2001). *Homeschooling*. ERIC Clearinghouse on Educational Management.
- Lopez, H. D. (2006). The social competence of homeschooled and convention. *Dissertation Abstracts International, 66*(7-B), 3.74.
- Lorson, M. (1999). *Science in the homeschool*. USA: ERIC.
- Luffman, J. (1997). A profile of homeschooling in Canada. *Education Quarterly Review, 4*(4), 30-47.
- Manuel, L. L. (2000). The moral development of home schooled and public schooled adolescents. *Dissertation Abstracts International, 61*(6-A).
- Mcgraw, J., Bergen, M. B., & Schumm, W. R. (1993). An exploratory study of homeschooling in Kansas. *Psychological Reports, 73*(1), 79-82.
- Mayberry, M. (1990). Home based education in the United States: Demographics, motivations and educational implications. *Educational Review, 41*(2), 171-180.
- Mayberry, M., & Knowles, J. C. (1990). Family unit objectives of parents who teach their children: Ideological and pedagogical orientations to homeschooling. *Urban Review, 21*(4), 209-225.
- Johnson, S., & Jacqueline, J. (2000). Home schooling and the academically talented child: Academic achievement and educational attitudes. *Dissertation Abstracts International, 60*(11-A).
- Rekkedal, T. (1984). The written assignments in correspondence education effects of reducing turn-around time: An experimental study. *Distance Education, 4*, 231-250.
- Rumble, G. (1997). *The costs and economics of open and distance learning*. London: Kogan page.

- Russel, T. (1999). *The no significant difference phenomenon* [On-Line]. Available: [http://Cuda. Teleeducation. nb. Ca/no significant difference](http://Cuda.Teleeducation.nb.ca/no%20significant%20difference). In Schramm, W. (1977). *Big media, little media*. London: Sage.
- Schramm, W. (1977). *Big Media, little media*. London: sage.
- Schumm, W. R. (1994). Homeschooling in kansas: A forther exploratory study. *Psychological Reports*, 74(3), 923-926.
- Schumm, W. R. (1998). Trends in homschooling in a midwestern community. *Psychological Reports*, 82, 364-366.
- Teel, S. (2007). *Defending and parenting children who learn differently: Lesson from Edison's mother*. US: Greenwood Publishing group.
- Valdez, K. (2006). Social perception of home schooled students. *Dissertation Abestract International*, 66(11-A), 3932.